

## مدارس نظامی نوین ایران (از دوره صفویه تا تأسیس دارالفنون)

الهام ملک‌زاده<sup>۱</sup>  
مسعود دادبخش<sup>۲</sup>



### مقدمه

سپاه و سپاهی‌گری در طول تاریخ ایران، دارای ارزش و اهمیت بالایی بوده است، چه در دوره پیش از اسلام به ویژه در دوره هخامنشیان و ساسانیان که داری ارتشی با ساختار و دسته‌بندی مشخص و منظم بوده و چه پس از ورود اسلام که با افزوده شدن ارزش‌هایی مانند جهاد و شهادت در راه دین و خدا به ارزش‌های قبلی که همانا دفاع از خاک و مام وطن بود، داشتن ارتشی منظم و تعلیم دیده، به یکی از چالش‌های مهم پادشاهان و حکام تبدیل گشت. دین اسلام والدین را تشویق به تعلیم و آموزش اسب سواری و تیراندازی به فرزندان می‌کرد و با واجب دانستن جهاد ضد کفار، بستر مناسبی را برای روحیه نظامی‌گری و آموزش و تعلیم فنون جنگی در بین آحاد مردم به وجود آورد.

آموزش و تعلیم سپاه نیز مشابه سایر علوم، با شروع دوره جدید اروپا و اکتشافات و اختراعات تازه که فنون نظامی نیز از آن بی بهره نماند، تبدیل به علمی نوین گشت. اختراعات و اکتشافات جدید در زمینه نظامی مانند توپ‌های سنگین و اسلحه‌های گرم، بالطبع شیوه و فنون نظامی جدید به همراه داشت و آموزش و تعلیم سپاه نیز نیازمند تغییرات و دگرگونی‌هایی گشت. اروپاییان به عنوان سردمداران پیشرفت‌های علمی و نظامی در این دوره، این تغییرات را در سیستم آموزشی خود اعمال کردند و ایران که در آن ایام درگیر

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲. کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.

هرج و مرج داخلی بود، چندین قرن بعد و در حقیقت بعد از شکست‌های پی در پی طی جنگ‌های دوره اول با روسیه و کمک گرفتن از تجربیات سایر کشورها، سعی بر نوین کردن ساختار ارتش و سیستم تعلیم و تربیت سپاه خود کرد. با این مختصر می‌توان مقاله حاضر را با هدف بررسی و تحقیق علمی و تاریخی مبتنی بر منابع و نسخ خطی به جای مانده از روزگار تحول سیستم نظامی ایران دارای دو سؤال پژوهشی دانست که عبارتند از :

۱. روند اعزام محصل به کشورهای اروپایی از سال ۱۲۲۶ هـ ق چگونه بود؟
۲. تأسیس مدرسه نظامی در ایران با چه رویکردی انجام یافت و شیوه‌های آموزشی جدید با چه ابزاری مورد استفاده قرار گرفت؟

در این تحقیق سعی بر آن شده که به مسئله آموزش و تعلیم سپاه از بُعد دوم پرداخته شود. با کمی کنکاش در باب مدارس نظامی نوین در ایران، مشخص می‌شود که تا چندین دهه، الگوبرداری از شیوه‌های آموزشی اروپایی تمام و کمال اعمال می‌شده است. سؤالی که در این جا مطرح می‌شود، این است که آیا با تمام راهکارهای در نظر گرفته شده، موفقیت مورد نظر به دست آمد و اگر این موفقیت حاصل شده است، کیفیت و سرعت حصول آن چگونه بوده است؟ به نظر می‌رسد که با توجه به تمام تدابیر در نظر گرفته شده و اصرار بر کپی دقیق دانش نظامی روز از کشورهای اروپایی، باز هم موفقیت پیش‌بینی شده حاصل نگردید و کیفیت و سرعت دستیابی به دانش روز نظامی تا زمان تأسیس دارالفنون چندان قابل دفاع نیست و تنها پس از تشکیل مدرسه دارالفنون است که این روند تسریع می‌یابد.

### تاریخچه مدارس نظامی نوین

با نگاهی به سیر تکاملی تاریخ ایران به این نتیجه می‌رسیم که تا قبل از دوره صفویه، آموزش سپاه و نظام به طور نوین صورت نمی‌گرفت. آموزش و تعلیم و تربیت سپاه مانند سایر علوم مرتبط و وابسته به سیر تمدن در اروپا است و از آنجا که روش و شیوه‌های نوین تعلیم و تربیت و آموزش سپاه و اکتشافات و اختراعات در صنعت و نظام، به صورت علمی وارداتی از اروپا به ایران آمد، پس می‌بایست اندکی درباره تاریخ شکوفایی علمی و تمدن در اروپا بدانیم. محققین، شروع تمدن جدید را با آغاز تاریخ قرون جدید اروپا مصادف می‌دانند و سال ۱۴۵۳ م / ۸۵۷ ق، را مبدأ این تاریخ می‌شمارند.<sup>۱</sup> این تاریخ مصادف است با سقوط قسطنطنیه که قطب سیاست و تجارت دنیای مسیحیت به حساب می‌رفت و تحولات و جهش‌های عظیمی در زمینه‌های علمی، صنعتی و نظامی اروپا به وجود آورده بود،<sup>۲</sup> به طوری که سبب پدید آمدن رنسانس،

۱. حسین، محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰،

ص ۲.

۲. عبدالحسین، نوائی، ایران و جهان، ج ۲ (از قاجاریه تا پایان عهد ناصری)، تهران، نشر هما، ۱۳۶۹، ص ۸-۹.

اصلاح مذهب مسیح، کشف سرزمین‌های تازه و اختراعات شگرف و سودمند گشت.<sup>۱</sup> اکتشافات جغرافیایی و کشف سرزمین‌های جدید باعث شد کشورهای اروپایی برای به دست آوردن سرمایه‌های نهفته در آن‌ها با یکدیگر درگیر شوند و جنگ‌ها و نبردهای خونینی به وجود آورند. رفته رفته اهمیت شیوه‌های نوین جنگی و ارتش آماده و تعلیم دیده بیش از پیش مشهود شد و علوم نظامی هم از اختراعات و اکتشافات جدید بی‌بهره نماند. ابزار آلات جدید جنگی اعم از توپ و تفنگ اختراع شد و روش و فنون جنگی تغییرات گسترده‌ای کرد و به موازات آن لازم گردید که شیوه تعلیم و تربیت سپاه نیز نوین گردد. پس می‌توان گفت که آموزش و تعلیم سپاه به شیوه نوین، بسته به شرایط آن روز جهان اجتناب ناپذیر بود و کشورهای اروپایی در این کار تلاش زیادی کردند و کشورهای دیگر هم برای آن که بتوانند در برابر غول استعمار مقاومت کنند کم‌کم مجبور به فراگیری این فنون گردیدند.

آغاز دوره جدید در اروپا با دوره هرج و مرج و کشمکش در ایران مصادف بود، به طوری که قسمت‌های مختلف آن بین شاهزادگان تیموری و ترکمنان آق قویونلو و قراقویونلو مورد نزاع بود و امنیت و آرامش که پایه اساسی تمدن و پیشرفت کشور است وجود نداشت.<sup>۲</sup> شاید بتوان گفت تنها دوره‌ای که ایران اندکی آشنایی با تمدن جدید پیدا کرد، دوره حکومت اوزون حسن آق قویونلو بود. وی به واسطه رقابت با حکومت عثمانی سعی کرد که با بهره گرفتن از دانش و تجربه اروپاییان و به ویژه ونیزی‌ها و استفاده از آلات جنگی نوین به جنگ با عثمانی برخیزد که البته توفیقی حاصل نکرد.

این اولین آشنایی ایران با تمدن جدید بود. زیرا قبل از آن نه ارتباط صحیح و منطقی بین ایران و اروپا برقرار بود و نه تمدن جدید چنان قوی شده بود که بتواند به خارج از اروپا صادر شود.<sup>۳</sup> پس از آن مجدداً وقفه‌ای در ارتباط ایران با تمدن جدید و بالطبع شیوه آموزش‌های جنگی نوین رخ داد. شاهان اولیه صفوی که از سال ۹۰۷ هـ.ق، زمام امور را در دست گرفته بودند، به دلیل تعصبات مذهبی و تفاوت‌های دینی، چندان روی خوشی به اروپاییان نشان نمی‌دادند. جرقه این ارتباطات دوباره با به سلطنت رسیدن شاه عباس اول (۱۱۳۸ - ۹۹۶ ق) زده شد؛ وی که دارای تسامح و تساهل مذهبی بود، سعی کرد تا با برقراری ارتباط با تمدن جدید و یادگیری و وارد کردن علوم نوین در ایران، در برابر قدرت امپراتوری عثمانی و پرتغالی‌ها که جزایر و بنادر جنوب ایران را در دست داشتند، خود نمایی کند.

### آموزش نوین سپاه در دوره صفویه

شروع آموزش‌های نظامی پیشرفته و به سبک و سیاق اروپایی، از دوره صفویه و در دوران زمامداری شاه عباس اول صفوی بود. دوره صفویه مصادف با دوره اقتدار عثمانیان و پیشروی سپاهیان ترک در کشورهای

۱- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، همان، ص ۲.

۲- همان.

۳- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، ص ۳.

اروپایی بود؛ از این رو اروپاییان سعی می‌کردند با فرستادن نمایندگان، ایران را ضد این دشمن پر قدرت تحریک کنند و با درگیر کردن سپاه ترک در جبهه شرق، از پیشروی ایشان در جبهه غرب در امان باشند، اما کسانی از ایشان هم به خواست خود یا به خواست دولت‌هایشان در نیرومندی ارتش ایران و بسیج آن به جنگ افزارهای گرم کوشیدند و شاهان صفوی نیز که شکست سپاهیان ایران را در دشت چالدران<sup>۱</sup> با همهٔ جان فشانی‌ها فراموش نکرده بودند، همواره در اندیشه آن بودند که ارتش خود را در نیرومندی به پایه ایشان رسانند.<sup>۲</sup>

البته این بدان معنا نیست که ایرانیان هیچ آشنایی با جنگ افزارهای گرم نداشتند، بلکه از زمان آق قویونلوها (اوزون حسن) با این سلاح‌ها آشنا بودند، به طوری که شیخ حیدر در محاصره قلعه گلستان، در سال ۸۹۳ ق، یعنی ۲۶ سال قبل از نبرد چالدران، از توپ و سلاح‌های سنگین استفاده کرد.<sup>۳</sup> بعدها هم پس از اشغال جزایر خلیج فارس توسط پرتغالی‌ها، جزیره قشم مرکز فروش سلاح گرم گردید.<sup>۴</sup> شاه عباس که در یافته بود با سلاح‌ها و روش‌های سنتی نمی‌تواند هم به مقابله با عثمانی که دارای توپ و اسلحهٔ سنگین بود بپردازد و هم پرتغالی‌ها را از سواحل و جزایر خلیج فارس بیرون کند، در صدد برآمد از متخصصین اروپایی، به ویژه از متخصصین انگلیسی استفاده کند.<sup>۵</sup>

در سال ۱۰۰۶ ق، سرآنتونی شرلی و برادرش رابرت شرلی که از نجیب‌زادگان و صنعتگران انگلستان بودند، همراه ۲۴ نفر دیگر وارد ایران شدند. سروان پاول و سروان توماس، افسر سواره نظام و یک نفر توپچی که متخصص در امر ساخت اسلحه و توپ ریزی بود همراه این هیئت بودند. مأموریت این هیئت ظاهراً ایجاد روابط بازرگانی بود، ولی در حقیقت آن‌ها برای بیرون کردن پرتغالی‌ها از سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان به ایران آمده بودند.<sup>۶</sup> وی از برادران شرلی خواست که نظامیان ارشد ایرانی را با اصول و فنون نظامی که در اروپا تدریس می‌شد، آشنا سازند.<sup>۷</sup> کوشش‌های برادران شرلی و دستیارانشان در آموزش سپاهیان ایران بسیار کارگر افتاد و آنان را با روش‌های نوین نبرد در میدان‌ها و پیکار با جنگ‌افزارهای گرم

۱- نام یکی از دهستان‌های دوگانه بخش سیه چشمه شهرستان ماکو که از شمال به دهستان قلعه دره سی و آواجیق و از جنوب به دهستان سگمن آباد و آند و از شرق به دهستان به جیگ و از غرب به مرز ایران و ترکیه محدود است (از فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۴). از حوادث مهمی که در این محل روی داده و بدین مناسبت نام «چالدران» در تاریخ سیاسی ایران ضبط شده است، واقعه جنگ چالدران است که میان شاه اسماعیل صفوی و سلطان سلیم پادشاه عثمانی در این محل به وقوع پیوست (۹۲۰ ق) و به شکست ایرانیان انجامید. (دهخدا)

۲- غلامرضا، علی بابایی، تاریخ ارتش ایران (از هخامنشی تا عصر پهلوی)، تهران، انتشارات آشیان، ۱۳۸۵، ص ۳۸.

۳- راجر، سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمهٔ کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۷، ص ۴۳.

۴- تاریخ ارتش ایران، ص ۳۷.

۵- میرحسین، یکرنگیان، سیری در تاریخ ارتش ایران (از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰)، تهران، خجسته، ۱۳۸۳، ص ۱۷.

۶- همان، ص ۱۸.

۷- همان، ص ۲۱۵.

آشنا ساختند و نیز کارخانه‌های توپ‌ریزی و جنگ‌افزارسازی در اصفهان برپا گردید که تا سال ۱۲۲۴ق، همچنان کار می‌کردند.<sup>۱</sup>

سپاهیان که به دست هیئت برادران شرلی به شیوه ارتش نوین اروپا آموزش دیده و پرورش یافته بودند، پیادگان یا «تفنگچی لر» نامیده می‌شدند. تعداد آنان نزدیک به بیست هزار تن بود و سرداران این دسته را «تفنگچی لر باشی» یا «تفنگچی آقاسی» می‌گفتند و جنگ‌افزارشان شمشیر و خنجر و تفنگ‌های فتیله‌ای ساخت کارخانه‌های اصفهان بود. حقوقشان از خزانه دولتی پرداخت می‌گردید. تفنگچیان هنگام راه‌پیمایی و لشکرکشی بر اسب سوار می‌شدند، ولی هنگام پیکار در میدان‌های جنگ بیشتر پیاده تیر اندازی می‌کردند.<sup>۲</sup> البته تعلیم و آموزش سپاهیان در این دوره زیاد دوام نداشت و بعد از شاه عباس اول، ایرانیان به تدریج از مجالست با اروپاییان خودداری کردند و موضوع آموزش فنون نظامی با روش اروپاییان متوقف شد.<sup>۳</sup> ایرانیان استفاده از توپ را در مقابل دشمن عاجز و علیه افراد بشر، ناجوانمردانه و همچنین باعث کند شدن حرکت سوار نظام می‌دانستند، به طوری که بالاخره صنف توپخانه ایران در زمان سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) منحل گردید.<sup>۴</sup>

### مدارس نظامی در دوره قاجار

پس از سقوط صفویه تا شروع دوره قاجار فترتی در رابطه با آموزش سپاه با شیوه‌های نوین به وجود آمد. در این دوران کشور دچار هرج و مرج فراوان گردید و قدرت دست به دست می‌چرخید. مدتی در دست افغانه، دوره‌ای نیز در دست افشاریه و زندیه بود و نهایتاً به دست قاجارها رسید. در این مدت دو دوره ثبات نسبی در کشور به وجود آمد که اولین آن مربوط به دوره حکومت نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ق) است. وی در این ایام همواره در حال جنگ بود و اقدام به ساخت اولین نیروی دریایی ایران پس از اسلام کرد، هر چند که با صرف هزینه‌های زیاد موفقیت چندانی در این امر پیدا نکرد، به طوری که یک سال پس از کشته شدن وی، ناوگان ایران دیگر وجود نداشت.<sup>۵</sup> دوره دوم مربوط به حکومت سی ساله کریم خان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳ق) است. در این سال‌ها کریم خان به غیر از تصرف بصره، لشکرکشی عمده‌ای انجام نداد و علاقه‌ای به آموزش و تعلیم سپاه نشان نداد، حتی قسمت اعظم ارتش را هم مرخص کرد.<sup>۶</sup> در ابتدای دوره قاجار، وضع ارتش روی همان اساس دوره صفویه افشار و زندیه برقرار بود. همچنان

۱- تاریخ ارتش ایران، ص ۳۹.

۲- همان، ص ۳۹-۴۰.

۳- سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۲۱۵.

۴- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۱۹.

۵- همان، ص ۴۵. به نقل از: نادر شاه، لاکهارت، ص ۲۸۱.

۶- سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۲۳.

اصطلاحات ترکی در محاورات به کار می‌رفت و فقط نفر نظامی، به تقلید از روسیه سالدات نامیده می‌شد.<sup>۱</sup> دوره حکومت آقا محمد خان دوره تثبیت قدرت قاجار بود و همواره به جنگ و خونریزی گذشت. وی مردی سخت‌گیر و سنگدل، ولی با کفایت و مدبر بود و توانست به اوضاع ایران سر و سامان نسبی بدهد. وی به امور سربازان اهمیت زیادی می‌داد و با آنکه انسان خسیسی بود، درباره سربازان از بذل مال دریغ نداشت.<sup>۲</sup> آقا محمدخان هیچ گاه سربازان را بیکار نمی‌گذاشت و در هنگامی که مشغول به جنگ نبودند، سربازان را به دشت و دمن برای تمرین اسبسواری و تیراندازی می‌فرستاد.<sup>۳</sup>

در زمان حکومت وی، چند تن از سپاهیان قره باغ و نخجوان که از ارتش روس خارج شده و به ایران مهاجرت کرده بودند، برای تعلیم قشون ایران در اردوگاه قزوین به کار گماشته شدند، ولی به علت کمی تعداد افسران معلم و علاقه سپاهیان و خود آقا محمد خان به رسوم قدیم سپاهی‌گری، پیشرفت چندانی در امور سپاه حاصل نشد.<sup>۴</sup>

با مرگ وی، برادر زاده‌اش فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق) بر سریر قدرت نشست. دوران حکومت فتحعلی شاه مصادف بود با جنگ‌های ایران و روس. با تصرف قفقاز به دست ارتش روسیه (۱۲۱۸ق) فتحعلی شاه عباس میرزا نایب‌السلطنه و حکمران آذربایجان را مأمور مقابله با ایشان کرد. عباس میرزا و وزیر با کفایتش میرزای بزرگ، طی همین جنگ‌ها به نقص ارتش ایران پی بردند و فهمیدند که با آلات و شیوه‌های جنگی قدیمی نمی‌توانند از عهده توپ و تفنگ و ارتش منظم روسیه برآیند و تنها راه مقابله در برابر دشمن، اخذ همان وسایل و اقتباس همان نظام است.<sup>۵</sup> شاهزاده عباس میرزا انسانی متجدد و مایل به ترقی و آبادانی ایران بود و هر قدمی که در آن زمان برداشته شد از قبیل اصلاح قشون، تشکیلات اروپایی در نظام، استعمال اسلحه جدید، فرستادن محصل به اروپا، جلب صنعت‌گران اروپایی و رواج علوم و صنایع جدید در ایران حاصل مساعی وی بود.<sup>۶</sup> پس طی دوره اول جنگ‌های ایران و روس (۱۲۰۸-۱۲۱۸ق) بود که ایران پی به ضعف نظامی و علمی خود برد. ساختار ارتش ایران پس از سقوط سامانیان و سیل هجوم ترکان به ایران، همواره وابسته به ایلات و عشایر بود<sup>۷</sup> و سپاه ایران هیچ گونه آشنایی با شیوه‌های جنگی نوین و آرایش نظامی منظم و تعلیم و تربیت سپاه به طریق اصولی آن نداشت.

استفاده از دانش خارجی‌ان در امور نظامی به دوره‌های قبل یعنی به دوره نادر و حتی شاه عباس باز می‌گردد، اما فکر ایجاد ارتش جدید به سبک اروپایی از نتایج مستقیم شکست‌های ایران در جنگ نخست

۱- همان، ص ۲۵.

۲- همان، ص ۳۲.

۳- همان، ص ۲۵ - ۲۶.

۴- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۶۱.

۵- همان، ص ۵۷.

۶- همان، ص ۵۳.

۷- همان، ص ۵۷.

با روسیه بود.<sup>۱</sup>

عبّاس میرزا و سایر فرماندهانی که از جبهه‌ها به تهران احضار شده بودند، به فتحعلی شاه فهماندند که ارتش ایران با این ساختار یارای مقابله با ارتش قدرتمند و تعلیم دیده روسیه را ندارد و می‌بایست فکری برای انتظام و تعلیم آن کرد. از آن جایی که داخل کشور افراد آموزش دیده‌ای وجود نداشت تا بتوانند به کمک آن‌ها سربازان و سپاهیان را آموزش دهند، راه علاج را استخدام مستشار نظامی از اروپا دیدند.<sup>۲</sup> انگلیسی‌ها برای انجام این کار جزایر خارک و هرمز را مطالبه کردند و ضمناً خواستار ساختن استحکامات نظامی در بعضی بنادر ایران شدند که مورد قبول شاه واقع نشد.<sup>۳</sup> پس به سمت قدرت آن روزهای اروپا یعنی فرانسه و امپراتور نامدارش ناپلئون متمایل شدند. ناپلئون نیز که فکر اشغال هندوستان از طریق ایران و ضربه زدن به قدرت انگلستان و روسیه را داشت، متمایل به برقراری رابطه با ایران بود.

طرفین، سفرایی را به دربار یکدیگر اعزام کردند و سرانجام در تاریخ ۲۵ صفر ۱۲۲۲ق/ چهاردهم می ۱۸۰۷م، قراردادی در فین کن اشتاین لهستان بین دو دولت به امضاء رسید که به معاهده فین کن اشتاین مشهور شد.<sup>۴</sup> از مواد مهمی که به خواسته ایران در این قرارداد گنجانده شده بود، موضوع تعلیم و تربیت سپاهیان ایران به شیوه نوین و آموزش سربازان و افسران ایرانی در زمینه وسایل جدید و فنون جنگی نو و قواعد انضباطی و علوم نظامی بود که اندکی پس از عقد قرارداد ناپلئون سرتیپ سوار گاردان را به ریاست یک هیئت هفتاد نفری به ایران فرستاد و اعضای این هیئت بلافاصله کار خود را در ایران شروع کردند.<sup>۵</sup> این هیئت برای اصلاح ساختار ارتش ایران، دست به اقدامات اصلاحی زیر زد:

در تهران، اصفهان و تبریز چندین پایگاه آموزشی دایر کردند و افسران و درجه‌داران پیاده نظام به افراد آموزش نظامی می‌دادند.<sup>۶</sup> دو کارخانه توپ‌ریزی در تهران و اصفهان دایر کردند.<sup>۷</sup>

یگان سواره، پیاده، توپ‌خانه و مهندسی را از یکدیگر جدا و مستقل نمودند و برای هر کدام آموزش مخصوص در نظر گرفتند<sup>۸</sup> و جنگ با سرنیزه را که در ایران معمول نبود، به سپاهیان آموزش دادند.<sup>۹</sup> لباس سربازان را مشابه لباس نظامی فرانسویان (نیم تنه آبی و شلوار توسی) متحدالشکل کرده و علائم

۱- غلامعلی، سرمد، اعزام محصل به خارج از کشور (در دوره قاجاریه)، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۲، ص ۸۱

۲- همان، ص ۸۱

۳- سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۳۷.

۴- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۶۵.

۵- همان، ص ۶۵ و ایران و جهان، جلد دوم، ص ۱۱۱.

۶- سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۴۵.

۷- ایران و جهان، جلد دوم، ص ۱۲۵.

۸- سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۴۵.

۹- ایران و جهان، جلد دوم، ص ۱۲۵.

و درجات نظامی<sup>۱</sup> را مشخص کردند.<sup>۲</sup>

علاوه بر آشنا ساختن سپاه ایران با اصول جدید نظام اروپایی، اعضای این هیئت وظیفه داشتند که از راه‌ها، معابر و بنادر ایران نقشه برداری کنند، به ساختمان قلعه و تهیه مقدمات حمله به روسیه بپردازند و راه حمله به هندوستان را هموار کنند،<sup>۳</sup> ولی سرانجام کار این هیئت چندان موفقیت‌آمیز نبود. آموزش و تعلیمات نظامی فرانسویان وضع سپاه ایران را بهبود بخشید، اما خیلی زود دولت فرانسه به امضای معاهده تیلسیه با روسیه پرداخت و نسبت به تعهداتش در قبال ایران بی‌تفاوت شد. در همین زمان انگلیس که از برقراری صلح بین روسیه و فرانسه بیمناک شده بود، از فرصت استفاده کرد و نمایندگانی را به ایران اعزام کرد. شاه این نمایندگان را به حضور پذیرفت و گاردان و هیئت همراهش به بهانه اینکه ورود نماینده دولت انگلیس به حیثیت فرانسه لطمه می‌زند، بدون اجازه ناپلئون و در تاریخ ۱۲۲۳ق، از راه آذربایجان، ایران را ترک کردند.<sup>۴</sup> حضور نمایندگان انگلیسی از جمله سرهارفورد جونز و سرگور اوزلی باعث شد که ایران معاهده‌هایی را با انگلیس امضاء کند و طبق بندهایی از آن، انگلیس موظف شد که هیئتی را برای تعلیم و تربیت سپاه ایران اعزام کند.

حضور هیئت‌های انگلیسی در ابتدا مؤثر واقع شد و افسران انگلیسی به خصوص کریستی، هارت و لیندزی در تبریز اقدام به تربیت سپاهیان با روش‌های نوین اروپایی کردند،<sup>۵</sup> ولی پس از مدتی و به دلایلی ناشی از بی‌علاقه‌گی فتحعلی شاه و سستی عباس میرزا به علت قطعی شدن شکست از روسیه و همچنین علاقه افسران انگلیسی به پیروی از خواسته‌های دولت متبوع خود - که پس از برطرف شدن خطر ناپلئون، چندان علاقه‌ای به قوی کردن سپاه ایران نداشت - در سال ۱۸۱۵ م، تقریباً تمام افسران ارشد انگلیسی ایران را ترک کردند و به فرمان شاه جز ده هزار نفر سرباز در آذربایجان بقیه مرخص گردیدند.<sup>۶</sup> نکته جالب درباره افسران اعزامی انگلیس آن است که غیر از یک نفر، همگی آن‌ها از هندوستان به ایران آمده بودند و برای خدمت در مستعمرات تربیت شده و تعلیم دیده بودند.<sup>۷</sup> با این تفاسیر شاید بتوان علت اصلی حضور انگلیسی‌ها در ایران را، با توجه به دخالت‌های گاه و بی‌گاه و نفوذ فراوان آن‌ها در دوره‌های بعدی تاریخ ایران فهمید.

۱- نخستین درجات نظامی جدید در آذربایجان تشکیل شد و در این تاریخ است که میرزا ابوالقاسم فراهانی به جای کلمه سالدات روسی، کلمه سرباز را که از اصطلاح سرباختن فارسی بود، وضع و معمول داشت. سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۴۵.

۲- همان، ص ۴۵.

۳- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۶۵ به نقل از: مأموریت ژنرال گاردان، ص ۳۶.

۴- همان، ص ۸۸.

۵- همان، ص ۱۰۷.

۶- همان، ۱۰۸.

۷- همان، ۱۲۱.



با اینکه هیئت فرانسوی به سرکردگی گاردان، ایران را با ناراحتی ترک کرد، ولی پس از رفتن افسران انگلیسی، عباس میرزا و وزیرش میرزا بزرگ، پس از عهدنامه گلستان در صدد استخدام مستشاران فرانسوی برآمدند، اما به صورت جدی این طرح دنبال نشد. با این حال، در همان زمان، عده‌ای از افسران فرانسوی برای تعلیم کردهای حوزه حکومتی محمدعلی میرزا دولتشاه به کرمانشاه آمدند که مشهورترین ایشان سرهنگ دروویل<sup>۱</sup> است. البته این افسران فرانسوی هم کاری از پیش نبردند.<sup>۲</sup>

به طور کلی تعلیمات افسران انگلیسی و فرانسوی نتیجه مطلوبی را که عباس میرزا خواهان آن بود، نداد و علت آن هم شاید عواملی از قبیل زیر باشد:

۱. تعلیمات نظامی جدید در قشون ایران سطحی بود و افسران خارجی بیشتر به فکر مصالح و منافع کشور خود بودند و چندان منفعتی برای ایران نداشتند.<sup>۳</sup>

۲. شکست‌های عباس میرزا در جنگ با روسیه حس دلسردی و بی‌اعتمادی میان زمامداران کشور و خود وی به وجود آورد، به طوری که رفته رفته شور و شوق و حرارتشان در اصلاح نظام ایران به افسردگی و دلسردی مبدل گشت.<sup>۴</sup>

۳. مخالفت بعضی از سران قدیمی سپاه با نظام و ساختار آموزشی جدید، زیرا آن را باعث برهم خوردن موقعیت خود می‌دانستند و همچنین مخالفت شاهزادگان و درباریان با عباس میرزا و میرزا بزرگ و بی‌پولی عباس میرزا و عدم حمایت مالی از سوی فتحعلی شاه<sup>۵</sup> و اینکه سپاهیان ایران تقلید از کفار را جایز نمی‌دانستند.<sup>۶</sup>

۴. قالبی که برای آموزش‌های عمومی و نظامی مدرسه انتخاب شده بود، با روحیات مردم و وضعیت آن روز ایران سازگاری نداشت.<sup>۷</sup>

از این تاریخ به بعد، به دلیل دلسردی شاه و عباس میرزا و سایر سران حکومتی تا به حکومت رسیدن محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق)، وقفه‌ای در آموزش و تعلیم سپاه به شیوه‌های نوین به وجود آمد. محمد شاه فرزند عباس میرزا نایب السلطنه که در سال ۱۲۴۹ق، یک سال زودتر از فتحعلی شاه درگذشت، با وجود زنده بودن بسیاری از عموهایش، تنها به واسطه یکی از بندهای عهدنامه ترکمانچای که بر طبق آن روسیه حق جانشینی فتحعلی شاه را از آن عباس میرزا و فرزندان وی می‌دانست، به عنوان ولیعهد فتحعلی شاه انتخاب شد و در سال ۱۲۵۰ق، با کمک روسیه و تلاش میرزا ابوالقاسم قائم مقام به سلطنت رسید.

## 1- Derouville

۲- ایران و جهان، جلد دوم، ص ۲۴۹.

۳- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۱۲۱.

۴- همان، ص ۱۱۶.

۵- همان، ص ۱۱۵.

۶- همان، ص ۶۲.

۷- اعزام محصل به خارج از کشور، ص ۸۱.

محمد شاه اصول مملکت‌داری را نزد پدرش آموخته بود، هر چند که آن استعداد و توانایی جسمی و روحی عباس میرزا را نداشت، ولی به هر صورت می‌خواست جانشین شایسته پدر باشد.<sup>۱</sup> وی برای اثبات شایستگی خود یا از روی آینده‌نگری، علاقه خود را به تعلیم و آموزش سپاه نشان داد و سعی کرد با کمک گرفتن از افسران اروپایی، کمی نظم و سر و سامان به سپاه کشور بدهد.

مدارس نظامی که در زمان عباس میرزا با اعتراض روسیه مواجه و برچیده شدند، در زمان محمد شاه مجدداً افتتاح گردیدند. سرتیپ ایزی دوربورسکی - که از مهاجرین لهستانی بود - به ریاست مدرسه نظام ایران انتخاب شد. وی در جنگ هرات (۱۲۵۳ - ۱۲۵۴ق) فرماندهی سپاه ایران را داشت و همراه بسیاری از شاگردانش کشته شدند؛ بعد از جنگ هرات سر لشکر آنتوان بوروسکی فرزند سرتیپ بوروسکی برای احیای مدرسه مزبور مساعی بسیار به کار برد.<sup>۲</sup> همزمان با همین دوران، محمد شاه در سال ۱۲۵۱ق، برای تعلیم نظامیان و تأسیس ارتش ایران از یک هیئت نظامی انگلیسی دعوت به عمل آورد. هیئت انگلیسی به ایران آمد و ژنرال راولینسون مشغول تعلیم نظام در ایران شد، ولی تا سال ۱۲۵۴ق، این مدرسه حتی یک افسر هم به ارتش ایران تحویل نداد و شاگردان کلاس آخر آن در مشاغل غیر نظامی داخل شدند و چند نفر هم با درجهٔ گروهبانی وارد ارتش شدند.<sup>۳</sup>

پس از پایان جنگ اول هرات، روابط ایران و فرانسه مجدداً برقرار شد. کنت دوسرسی<sup>۴</sup> به همراه دوازده افسر در رسته‌های مختلف برای آموزش و پرورش و تأسیس سازمان ارتش در تاریخ ۵ شوال ۱۲۵۵ق / ۱۲ دسامبر ۱۸۳۹م، به ایران آمدند؛ ولی به دلیل دخالت‌های روسیه و انگلیس و یادآوری عهد شکنی گاردان، این هیئت پس از چهار سال بیکاری و صرف هزینهٔ هنگفت بدون اینکه از وجود آنان استفاده شود، به فرانسه بازگشتند.<sup>۵</sup>

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۴ هـ.ق، به سلطنت رسید و نزدیک به پنجاه سال بر سریر قدرت تکیه زد. در چهار سال ابتدایی حکومت وی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر مقام صدارت را دارا بود. وی سعی و تلاش زیادی برای اصلاح امور مملکت و به ویژه اصلاح ساختار ارتش ایران انجام داد. سرانجام به دلیل سنگ‌اندازی بیگانگان و دسیسه‌های درباریان در سال ۱۲۶۸ق، از سمت خود عزل و مدتی بعد به فرمان ناصرالدین شاه در حمام فین کاشان به قتل رسید.

اولین اقدام امیرکبیر پس از رسیدن به صدارت، اصلاح ساختار ارتش بود. وی اساس سازمان ارتش و

۱- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۱۹۸.

۲- سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۲۱۵ - ۲۱۶ و ایران و جهان، جلد دوم، ص ۳۴۷.

۳- سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۲۱۵.

4- Conte Desercey

۵- همان ص، ۶۷ - ۶۸.

طریقه سربازگیری را بر اصول بُنیچه<sup>۱</sup> قرار داد<sup>۲</sup> و با اختصاص جیره به سربازان، گرفتن سیورسات و مایحتاج را از رعیت که باعث غارت اموال مردم و به ویژه ده‌نشینان می‌شد، ممنوع کرد.<sup>۳</sup> با این همه به نظر می‌رسد که تلاش وی زیاد مؤثر واقع نشد، زیرا در نسخه خطی قانون نظامیه، که دو سال پس از مرگ امیر به نگارش درآمده، حسنعلی افشار به انتقاد از سیستم رایج پرداخته، جیره و مواجب سربازان می‌پردازد و آن را باعث غارت اموال رعیت و خالی شدن روستاها از ترس سپاهیان می‌داند و توصیه می‌کند که جیره و مایحتاج سربازان همراه قشون حمل شود یا وجه آن نقداً به سربازان پرداخته شود تا طمع در اموال روستاییان نکنند.<sup>۴</sup>

با این همه در مدت کوتاه صدراعظمی امیرکبیر، سر و سامانی به سازمان نامرتب ارتش آن روز ایران داده شد و با تکیه بر اصول بنیچه‌بندی،<sup>۵</sup> پنجاه هزار سپاه پیاده نظام و تیرانداز و دوازده هنگ (فوج) سواره نظام (هر هنگ ۸۰۰ نفر)، دو هزار توپچی و دویست زنبورکچی، سرباز به خدمت احضار شد.<sup>۶</sup> دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) مصادف با دوره ترقیات سریع علمی و صنعتی در اروپا بود.<sup>۷</sup> این پیشرفت سریع و وسیع در علم و صنعت، علوم نظامی را نیز بی‌بهره نگذاشت و باعث شد امیرکبیر بیش از پیش به بسط تعلیم و تربیت به شیوه نوین و اروپایی بپردازد. در رسیدن به مقصود، امیرکبیر دو راه پیش رو داشت:

۱. اعزام محصل به خارج از کشور؛
  ۲. ساخت مدرسه‌ای به همان سبک و سیاق و روش، و آموزش با آوردن معلمینی از کشورهای اروپایی.
- امیر با توجه به تجربیات قبلی حاصل از فرستادن این شاگردان و معاشرت و نشست و برخاست با این تحصیل کردگان در تبریز، متوجه ناکارآمدی لازم آنها شده بود.<sup>۸</sup> پس صلاح کشور را در انتخاب راه دوم دید تا هم شمار زیادتری از ایرانیان بتوانند به تحصیلاتی بالاتر از سطوح مقدماتی بپردازند و هم از خرج

۱- تعهد اهالی هر ناحیه روستایی به آماده کردن و فرستادن عده‌ای سرباز برای خدمت در قشون دولتی. یحیی مدرس، حسین سامعی، زهرا صفوی مبرهن، فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار (قشون و نظمیه)، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۸۰.

۲- تاریخ ارتش ایران، ص ۵۵.

۳- سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۷۱.

۴- افشار، حسنعلی، نسخه خطی قانون نظامیه، تهران، ۱۲۷۰ق؛ قانون هشتم از فصل دوم، ص ۶۱-۶۱.

۵- بُنیچه‌بندی [فارسی]. تعیین تعداد افرادی که هر ناحیه به خدمت سربازی می‌فرستند. فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار (قشون و نظمیه)، ص ۸۰.

۶- سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۷۶. البته در بررسی نسخه خطی قانون نظامیه، تعداد نفرات هر فوج سواره نظام در سال ۱۲۷۰ق، به پانصد نفر کاهش پیدا کرده که علت آن مشخص نشده است. نسخه خطی قانون نظامیه، قانون اول از فصل سوم، ص ۷۱.

۷- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۲۴۵.

۸- ایران و جهان، ص ۵۰۴.

زیاد و طمع‌ورزی افراد خارجی جلوگیری شود. کار ساخت مدرسه در سال ۱۲۶۶ق، در محل شمال شرقی ارگ شاهی که قبلاً سربازخانه بود، آغاز شد. نقشه ساختمان توسط میرزا رضا مهندس باشی و از روی نقشه سربازخانه و عمارت وولپچ انگلستان کشیده شد و محمدتقی خان معمارباشی ساختمان آن را به عهده گرفت و در سال ۱۲۶۹ق، کار مدرسه به اتمام رسید.<sup>۱</sup> مدرسه قبل از آنکه بنای آن به اتمام برسد، سیزده روز پیش از قتل امیرکبیر، یعنی در تاریخ پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ ق، افتتاح شد<sup>۲</sup> و بودجه آن برای سال نخست ۷۷۵۰ تومان برابر با ۳۸۷۵ لیره انگلیس بود.<sup>۳</sup>

دارالفنون مدرسه‌ای در حدود مدارس نظامی مشتمل بر رشته‌های مختلف بود.<sup>۴</sup> درس‌های اصلی مدرسه عبارت بودند از: پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، مهندسی، طب و جراحی، داروسازی، معدن‌شناسی. شاگردان هر درس یا هر رشته، کلاس خاصی داشتند که به اسم همان درس خوانده می‌شد<sup>۵</sup> و برای هر دسته از دانشجویان، لباسی مخصوص در نظر گرفته شده بود و به صورت رایگان در اختیار ایشان قرار می‌گرفت. هر دانشجو ماهانه مبلغ ده ریال حقوق دریافت می‌کرد. هر سه ماه یک بار از دانشجویان آزمایش به عمل می‌آمد و در امتحان آخر سال، شاه همراه وزرا و اولیای دانشجویان به دارالفنون می‌آمدند و به کسانی که از عهده امتحان برآمده بودند، جوایزی اعطا می‌نمود.<sup>۶</sup>

با آنکه هدف از تأسیس دارالفنون، فراهم ساختن بستری مناسب برای ادامه تحصیل و گسترش علوم و فنون جدید در سطح جامعه بود، باز جنبه اشرافیتی کار پر رنگ بود، زیرا همه دانشجویان از اولاد شاهزادگان عظام، امرا، اعیان و رجال دولت بودند.<sup>۷</sup>

هنگامی که امیرکبیر قصد تأسیس مدرسه را داشت، به دلیل عدم وجود افراد آشنا به علوم جدید در ایران، مجبور شد به استخدام معلم از خارج مبادرت نماید. وی که تجربه آوردن معلم از فرانسه و انگلستان را از نزدیک لمس کرده بود، تصمیم به استخدام معلم از اتریش و پروس گرفت. این دو کشور که از لحاظ پیشرفت‌های علمی بسیار درخشان و شهره بودند، از لحاظ جهان‌گیری و استعماری چندان قدرتی نداشتند و به همین دلیل خطری سیاسی برای ایران نداشتند.<sup>۸</sup> موسیو جان داود، عضو وزارت خارجه و مترجم دولت ایران و جزو اعضای سفارت ایران در سن پترزبورگ، برای آوردن معلم از اتریش و پروس مأمور گشت.<sup>۹</sup>

۱- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۲۵۸.

۲- همان، ص ۲۶۴ و ۲۹۳.

۳- ایران و جهان، جلد دوم، ص ۵۰۸.

۴- همان، ص ۵۰۵.

۵- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۲۷۰.

۶- سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۲۱۸.

۷- ایران و جهان، جلد دوم، ص ۵۰۵.

۸- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۲۵۹.

۹- همان، ص ۲۶۰.

دولت اتریش با پیشنهاد ایران موافقت کرد و جان داود در محرم ۱۲۶۸ق، دو روز پس از عزل امیرکبیر، همراه شش معلم از اتریش و یک معلم دواساز از ایتالیا که آن موقع در دست اتریش بود، به ایران بازگشت.<sup>۱</sup> این معلمین عبارت بودند از: سروان گومونز<sup>۲</sup> معلم پیاده نظام، ستوان کرزیز<sup>۳</sup> معلم توپخانه، ستوان نمبرو<sup>۴</sup> معلم سواره نظام، سروان زاتی<sup>۵</sup> معلم مهندسی، کارنوتا<sup>۶</sup> معلم علم معدن، دکتر پولاک<sup>۷</sup> معلم طب و جراحی، و معلم ایتالیایی دارو سازی فوکه تی.<sup>۸</sup>

دارالفنون در روزیکشنبه پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۸ق / ۷دی ۱۲۳۰ش افتتاح شد<sup>۹</sup> و ۱۰۵ نفر به عنوان دانشجویان مرحله نخست به ناصرالدین شاه معرفی شدند که از این تعداد، سی نفر دانشجوی پیاده نظام، ۲۶ نفر دانشجوی توپخانه و ۵ نفر دانشجوی سواره نظام بودند؛<sup>۱۰</sup> یعنی در مجموع ۶۱ نفر از ایشان مستقیماً مشغول به تحصیل در علوم نظامی بودند که این حقیقت به وضوح اهمیت آموزش نظامی را در مدرسه دارالفنون نشان می‌دهد.

نکته دیگر، زبان تدریس در دارالفنون است که با وجود معلمین اتریشی و ایتالیایی، زبان تدریس در دارالفنون فرانسوی بود، زیرا در تهران غیر از آندره خیاط اتریشی، کسی از زبان اتریشی (آلمانی) سر در نمی‌آورد، ولی مترجم زبان فرانسه متعدّد بود، از جمله دانشجویانی که در زمان محمد شاه به فرانسه رفته و برگشته بودند.<sup>۱۱</sup>

امیرکبیر خواستار تحولات گسترده در تعلیمات نظامی ایران بود و علاقه داشت که افراد سپاه ایران بر اساس قانون علمی، مشق و تعلیم ببینند، و حتی این شوق فراوان به حدی بود که قسمت نظامی دارالفنون، هشت ماه زودتر از افتتاح رسمی مدرسه شروع به کار کرد.<sup>۱۲</sup>

استادان اتریشی با همه حسن نیتی که نشان دادند، توفیق چندانی نیافتند. این اتفاق ناشی از عدم آشنایی آنان با روحیه ایرانیان بود. البته عوامل مختلف و مهم دیگری مانند غرض ورزی اولیای دولت و کارشکنی

۱- همان، ص ۲۶۱؛ ایران و جهان، جلد دوم، ص ۵۰۶ و سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۷۹.

2 - Gumones

3 - kerziz

4 - Nemiro

5 - Zattie

6 - Carnotta

7 - Dr Polak

8- Fochetti

۹- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۲۶۱ - ۲۶۲؛ ایران و جهان، جلد دوم، ص ۵۰۵ - ۵۰۶ و سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۷۹.

۱۰- سیری در تاریخ ارتش ایران، ص ۸۰.

۱۱- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۲۷۰.

۱۲- ایران و جهان، جلد دوم، ص ۵۲۴.

کشورهای خارجه را نمی‌توان نادیده گرفت.<sup>۱</sup> در ضمن ایرانیان هم در امور نظامی چندان علاقه‌ای به یادگیری فنون شیوه‌های جنگی جدید از خود بروز نمی‌دادند. به عنوان مثال نمیرو که افسر سواره‌نظام و مسئول آموزش نحوه سواری و دیگر مسائل مربوط به اسب و سوار در جنگ بود، توفیق چندانی به دست نیاورد، زیرا ایرانیان خود را بهترین و ماهرترین سوارکار و تیرانداز و شمشیرباز در سراسر جهان می‌دانستند.<sup>۲</sup> پس به هیچ وجه حاضر نبودند که این فنون را نزد یک بیگانه فرا بگیرند.

به طور کلی در آغاز کار معلمان مدرسه تماماً اروپایی بودند، ولی به تدریج پس از چند سال، ایرانیان تحصیل کرده جای آن‌ها را گرفتند، اما هیچ‌گاه مدرسه از معلم اروپایی خالی نماند.<sup>۳</sup> رفته رفته معلمان ایرانی در رشته‌های فرعی مانند علوم و زبان خارجه و نقاشی به تدریس مشغول شدند. این معلمان غالباً در خارج از کشور تحصیل کرده بودند. علاوه بر ایشان چند تن از افرادی که در ابتدا سمت مترجمی معلمان را داشتند و غالباً در کشورهای اروپایی و به ویژه فرانسه تحصیل کرده بودند، پس از چندی مستقلاً به تدریس در مدرسه پرداختند.<sup>۴</sup>

سرپرستی و ریاست مدرسه نیز یکی از مقامات مهم به حساب می‌آمد. در آغاز کار چون معلمان اروپایی در دارالفنون تدریس می‌کردند و سر و کار ایشان با وزیر امور خارجه بود، سرپرستی مدرسه نیز بر عهده میرزا محمد علی خان شیرازی، وزیر دولت‌های خارجه محول شد؛ پس از فوت وی و به ملاحظه برتری جنبه نظامی مدرسه بر سایر جنبه‌های آن، سرپرستی مدرسه به عزیزخان مگری آجودان باشی کل واگذار شد و عبدالحسین خان فرزند علیقلی خان آجودان از جانب او در مدرسه نیابت داشت. پس از عزیزخان، میرزا محمد خان امیر تومان به ریاست مدرسه منصوب شد و سپس علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه فرزند فتحعلی شاه و پس از او رضا قلی خان هدایت و پس از او پسرش علیقلی خان مخبرالدوله و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه هم جعفرقلی خان مخبرالملک برادر مخبرالدوله به ریاست مدرسه رسید.<sup>۵</sup>

از آنجایی که مدرسه جزو مؤسسات دیوانی و درباری بود، از جهت وقت کاری و تعطیلات اداری مطابق با رسوم دربار عمل می‌کرد. مدرسه در ماه‌های محرم، صفر و رمضان اغلب تعطیل بود و همچنین محصلین در ایام تابستان هم تعطیلاتی داشتند. به همین دلیل مدت تحصیلی هر ساله کمتر از نه ماه بود، اما محصلین در هنگام تعطیلات نیز گاهاً ملزم به انجام تکالیفی بودند.<sup>۶</sup>

۱- همان، ص ۵۲۳.

۲- همان، ص ۵۲۸.

۳- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۲۷۱.

۴- ایران و جهان، ص ۵۰۶ - ۵۰۷ به نقل از: مرآت البلدان، جلد دوم، ص ۸۴.

۵- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد اول، ص ۲۶۴ - ۲۶۵ به نقل از: مرآت البلدان، جلد دوم.

۶- همان، ص ۲۶۶.

## نتیجه

پس از بررسی تاریخچه مدارس نظامی، مشخص می‌شود که با تمام تدابیر صورت گرفته در ادوار مختلف، تشکیل و تأسیس این مدارس همواره نتیجه دلخواه را دارا نبوده است. آموزش و تعلیم سپاه به روش‌های نوین از دوره حکومت شاه عباس اول و با آمدن برادران شرلی به ایران آغاز گردید، ولی همواره صورتی مقطعی داشته و پس از مدتی به بوته فراموشی سپرده شده است. پادشاهان و حکام، معمولاً پس از شکست‌های جنگی یا هنگامی که قصد آغاز جنگی را داشتند، به فکر آموزش و تعلیم سپاه و تأسیس مدارس نظامی با کمک اروپاییان می‌افتادند، ولی پس از مدتی با پایان نبرد و یا فراموشی رنج شکست و انتقام، رفته رفته این امر نیز به فراموشی سپرده می‌شد. شاید بتوان گفت که عوامل عدم موفقیت این مدارس عبارت بودند از:

۱. اُنکای کامل به اروپاییان، برای تهیه اسلحه و ابزار آلات جنگی و اعزام معلّم و آموزش سپاهیان ایران؛
۲. سنگ‌اندازی عده‌ای از شاهزادگان، امرا و صاحب منصبان که نوین و به روز شدن سپاه را برخلاف مواضع خود می‌دیدند؛
۳. دل‌سردی و سستی پادشاهان و حکام، زیرا می‌خواستند هرچه سریع‌تر به نتیجه برسند، ولی با گذر زمان از این کار دل‌سرد می‌شدند؛
۴. عدم استقبال سپاهیان و فرماندهان، زیرا علاقه‌ای به آموزش دیدن از یک غیر مسلمان نداشته و مایل نبودند او را بالاتر از خود بدانند.
۵. عدم حمایت‌های مالی به طوری که سربازان رو به فروش ابزار آلات جنگی و حتی چپاول و غارت مردم می‌آورد.

در واقع اولین مدرسه به معنای واقعی آن دارالفنون بود. در این مدرسه با اینکه دارای شالوده و پایه نظامی بود، به تدریس سایر علوم نیز پرداخته می‌شد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که تا زمان تشکیل دارالفنون موفقیت چندانی در اصلاح روش‌ها، فنون و همچنین نوین کردن ساز و برگ نظامی به دست نیامد و تنها پس از تأسیس این مدرسه بود که روند اصلاحات در تمامی شئون نظامی تسریع یافت.